

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

مورده خلیج فارس، شماره ۴، چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۵۸  
شماره ۱۵ ریال

## ما چه می‌گوئیم:

# دست‌آوردهای انقلاب را دست‌نخورده نگه داریم

یعنی می‌توان گفت که حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی است که برای محکم دستاوردهای انقلاب شد انبرایستی و محو تریک مردم ایران و نوسازی جامعه ما، برنامه جامع و منطقی در تمام زمینه های زندگی اجتماعی عرضه داشته است. این همان برنامه‌ای است که می‌تواند زمینه‌های برای تشکیل جبهه متحد خلق قرار گیرد. برای روشن ساختن مواضع حزب توده ایران و کمک به امر اتحاد

پیروهای ملی و دمکراتیک، ما خواهیم گوئیم نکات مختلف این برنامه را، که در معرض تفاوت افکار عمومی هم‌میهنان، قرار گرفته است، به‌تدریج تشریح کنیم و ضمناً آماده‌ایم به پرسش‌های احتمالی پاسخ دهیم.

انسانی دارد که بازتابی است از واقعیت مرحله کنونی انقلاب ایران. نضت آن که می‌باید دستاوردهای انقلاب ایران را تحکیم کرد. دیگر اینکه می‌باید جامعه را از نو ساخت. در این نکته هم نباید تردیدی باشد که نوسازی جامعه، در گرو تحکیم دستاوردهای انقلاب است. لذا نضتین مسئله اینست که دستاوردهای انقلابیست چگونه می‌توان و باید آنرا تحکیم کرد؟

ایران توانسته است رژیم شاه، یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم، رژیم جنایت‌کار، غارتگر و فاسد را سرنگون کند و به تسلط عارت‌گراانه و رافضیانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، بر مبین ماه خیریت سنگین وارد سازد. این‌ها دستاوردهای انقلاب‌الله، ولی این هنوز

بقیه در صفحه ۲

## ما عمیقاً نگرانیم

ساخت حسن استفاده کرد. مجموعه آنچه که شکنجی دولت در باره ساواک بیان کرد عجیب و مرموز است. اثر آنچه گفته شده، اجرا نمود ساواک بازسازی می‌شود. درست در زمانی که مردم زیر کبیله ایران به‌خواسار ویران گزین کامل ساواک و بازواری

باید استفاده کرد! امیرانتظام ادا کرد که قانون حفظ امنیت اجتماعی نه سازمان امنیت و اطلاعات کشور - ساواک - برپایی آن تشکیل شده در آغاز به‌تقدم مبارزه با جاسوسان خارجی بود. ولی در عمل مورد سوء استفاده قرار گرفت است. به‌سبب شکنجی دولت موجب می‌توان از این قانون و از همه تأسیسات و دستگاههای

روز پنجشنبه، درست در آستانه رفتن امیرانتظام شکنجی دولت مطلب بسیار مهمی گفت که بعد از ضایع بر میان آنچه خیرها کم شد امیرانتظام گفت که یک گروه ستمی مأمور تخریب امور ساواک شده‌اند. شکنجی دولت اساسی این سخن را ذکر نکرد. روس توضیح داد که ساواک و امپلی و دستگاهی منضمی دارد که می‌تواند دلار می‌آورد. از این وسایل

بقیه در صفحه ۲

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## پیروزی بزرگ مردم ایران

مردم ایران پیروزی بزرگی را که ملی نیروهای دشوار و خونین انقلابی کسب کرده بودند با رای مثبت خویش در فرآیند تثبیت کردند. خیرهایی که تاکنون رسیده تعداد رأی‌دهندگان را بیش از ۱۸ میلیون و آراء مثبت به جمهوری اسلامی را - که قانون اساسی آن با رای مردم تصویب خواهد شد - ۹۸ درصد پذیرفته شده است. این یک پیروزی عظیم و قدرتمندی نوین نیروی متحد خلق است.

اتفاق نظر بی‌سابقه‌ای که در طول برد انقلاب وجود داشت و در فرآیند یکبار دیگر بجلی کرد، نشانه وجود خواستهای مشترکی است که مردم زحمتکشی ایران را صرف‌نظر از تفاوت‌های ملی، مذهبی و عقیدتی بهم می‌پیونداند. مهم‌ترین این خواست‌ها عبارتند از: به‌حاکم سپردن کامل رژیم مفسور چندین ارساله شامی و استمرار جمهوری مکنی بر اراده خلق، قطع کامل نفوذ امپریالیسم و تأمین استقلال ملی، محو دیکتاتوری و برقراری دموکراسی بی‌گبر و بالاخره انجام یک تحول بنیادی به‌سود زحمتکشان.

هم چنین که تشریح اکثریت شرکت‌کنندگان در فرآیند را منعکس می‌کند پیروزی جمهوری اسلامی را در فرآیند غلبه مستضعفین بر مستکبرین اعدام می‌کند و خواستار آنست که هر آنچه از رژیم طاغوتی برجای مانده زیر و رو شود.

دیگر رهبران مذهبی و سیاسی نیز که در تأیید جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند، تأکید کرده‌اند که منظور استمرار احکام مرفی و ازادی خواهانه‌ای است که به‌مراپ از دموکراسی‌های فراتر خواهد رفت. همه آنان وعده نمودن اساسی اجتماعی - سیاسی به‌سود زحمتکشان و در جهت طرف کامل نفوذ امپریالیسم داده و هیچ‌یک حمایت از طبقات استوارگر را آشکارا به‌تهدید نگرفته‌اند.

رای ۱۸ میلیون ایرانی پشوانه استوار چنین تحول بنیادی است؛ تحولی که استثنائاً سولندگان را بر استعمارکنندگان پیروز کرده‌اند. مقامات دولت موقت انقلاب اسلامی و عده‌ای از سایر رهبران انقلاب، انجام وعده‌های خود را معمولاً موکول به‌فرصت می‌کنند. در این که چنین فرصتی ضروری است نمی‌توان تردید کرد. زیر و رو کردن جامعه کهن و بنا زدن جامعه نوین - اگر چنین فصدی باشد - فرصت می‌خواهد. اما فرصت زمانی سومند است که برنامه‌ای برای تحول بنیادی در میان باشد و انجام آن آغاز گردد. وگرنه فرصت به‌بهرت خواهد رفت.

حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که موضع خود را در مقابل فرآیند روشن کرد و به جمهوری اسلامی رای مثبت داد. حزب ما به‌مراه آن، ضرورت تحول بنیادی جامعه را نیز متذکر شد و برنامه خود را برای چنین تحولی تدوین نمود و منتشر کرد. ما متقدمیم که این برنامه علمی و روشن بهترین راه انجام تحولی است که وعده آن به‌مردم داده شده است. با این حال ما صاعه‌انه آماده‌ایم تا هر پیشنهاد متقابلی را در این باره با دقت تمام بررسی کرده و روی برنامه مشترکی با همه نیروهای صادق انقلابی به‌توافق برسیم و برای انجام این برنامه مشترک با تمام هوا نکوشیم.

اینک پس از پیروزی بزرگ مردم ایران در فرآیند، زمان‌تکونین و تصویب قانون اساسی است. باید همه دستاوردهای انقلاب و خواست‌های مشترکی که میلیون‌ها ایرانی را به‌بای صدق فرآیند تثبیت کردند - از جمله و به‌خصوص استقلال، آزادی، تحول بنیادی به‌سود زحمتکشان - در قانون اساسی منعکس شود و این قانون در فضای کاملاً آزاد و با شرکت وسیع توده‌های مردم تدوین شده و به‌تصویب برسد. ما برای مشارکت فعال در این امر آماده‌ایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۲ فروردین ۱۳۵۸

## پیام شادباش

از سوی روزنامه طریق‌الشعب، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق به‌بیت تحریریه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی، کمونیست‌ها و ترقی‌خواهان اخبار مربوط به انتشار علمی «مردم» ارگان مرکزی حزب برادر شما را با نهایت عشق و دریاقت کرده‌اند. این کمیته است بسیار مهم در جهت تأمین آزادی‌های دموکراتیک برای همه نیروها و احزاب میهن‌پرست و ترقی‌خواه در ایران نوین، و توده‌های مردم را در جهت‌یافتن خود و به‌سوی اتحادیه‌های منتهی دیگر سازمان‌های حرفه‌ای و اجتماعی بی‌شع

بقیه در صفحه ۲



به‌جمهوری اسلامی رای مثبت می‌دهند  
رفقا: محصلی عوئی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران (نفر سوم از سمت راست، پای صلیق) احمد زنجبیده نامرد کمیته مرکزی حزب توده ایران (نفر دوم از سمت راست) رضا طشگی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران (نفر اول از سمت راست)

## گره را بادست باز کنید

در لسانی که این سلطوری می‌نویسم خبرهای ناراحت‌کننده‌ای از گندکاووس می‌رسد. پس از چند روز در و خوره خوین و به‌قول درست برخی از روزنامه‌ها «چنگه توره» که در آن منطقه جریان داشته و بسیاری کشته و زخمی به‌جا گذاشته، اینک نیروهای ارتشی شهر را محاصره کرده و آماده‌سخت کرده‌اند. ادامه این وضع می‌تواند عواقب نومی به‌بار آورد.

تأسفانه حاشی که در این سالها تنها منطقه‌ای نیست که در آن زد و خورد‌های خوین جریان یافته و عده‌ای از هم‌میهنان ما - که می‌توانستند سازندگان ایرانی آزاد باشند - به‌جهت به‌حاکم و خون‌خیزان، نظیر این حوادث چندین پیش در کرستان، بلوچستان، خوزستان نیز رخ داد.

تردید نیست که حل مسئله ملی در کشور کثیرالطلبه‌ای مانند ایران آنان نیست. ما در هر زمینه‌ای که بگیریم، اثر بی‌ای از حکومت چار سلطنتی برده‌ایم. در موضوع حقوق خلق‌ها نیز اثری که داریم شوم است. طی صحنه‌های فراموش‌نایان چار خلق‌های ایران را از هم جدا کرده و به‌جان هم انداخته‌اند. در کار موش‌ها، محبت‌ها و همبستگی متقابل که حاصل قرن‌ها برادر مشترک‌سازندگی مشترک‌خلق‌های ما است. سوءتفاهمات و دوگانگی‌ها نیز کم نیست. هرچه این‌ها به‌آسانی نمی‌توان غلبه کرد و لذا تلاش برای درک متقابل و کوشش برای حل این مسئله دشوار با سیر و شکنجی امری ضروری است. حقوق خلق‌های ایران درست از همان مسائل و گره‌های است که با انکشت تدبیر می‌توان گشود ولی با دندان نمی‌توان.

### شادباش روزنامه کمونیست‌های آلمان به‌مناسبت انتشار دوره جدید «مردم».

روزنامه اوژره تسونگ ارگان مرکزی حزب کمونیست آلمان طی نامه محبت‌آمیز و همراهی‌های مبارزان غولای، دشوار و فداکارانه «مردم» درکست و به‌توجه در شرایط به‌بانی یاد کرده و ابراز امید کرده‌اند که دموکراسی در ایران آنگاه ریشه‌گردد که هرگز سفر باکت به آرزوهایمان نباشد.

کارکنان اوژره تسونگ استواری ایدئولوژیکی و پیشگی سانس «مردم» را بی این سال‌ها خوانده‌اند.

مردم، ما از صمیم قلب از رفقای کمونیست آلمانی به‌مناسبت این شادباش گرم تشکر می‌کنیم.

# ایران در هفته‌ای که گذشت

### دست چپ گریبان در دست کیست؟

آیت‌الله خمینی در طول هفته گذشته دوبار به بیانات بسیار مهم سیاسی و تاریخی صادر کرد که طی یکی از آنها پایان نظام پوسیده شاهنشاهی را اعلام داشت و در دیگری برده از برخی فعالیت‌های مغرب زیر ماسک «چپ» در ترفند.

آیت‌الله خمینی در اعلامیه تاریخی خویش پس از شارش میلیون‌ها رأی مثبت به جمهوری اسلامی خطاب به مردم صادر شد به‌درستی یادآور گردید که:

دشمن غول‌پشت و فرعون زمان را از پای درآورید، مبارکباد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف‌نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست و همه برابرند و برابری مبارک باد بر شما روزی که در آن تمام اقشار ملت به حقوق حقه می‌رسند: فرقی بین زن و مرد و اقلیت‌های مذهبی و دیگران در اجرای عدالت نیست. طاغوت دفن شد و طایمان و سرکشی پدیدان او دفن می‌شود و کشور از چنگال دست‌های داخلی و خارجی و چپاول‌گران و غارت‌پیشان نجات یافت. نگذارید بیابای رژیم متحین در درک‌بین نشت‌مانند و طرفداران زندان بین‌المللی و نت‌خوران متفخاران در بین صفوف فتنه‌ها سرخه کنند. این شائبه که باید مقدرات خود را بدست بگیرند، سبک‌داده و از مردم فرودین از بزرگ‌ترین اعیان مذهبی و ملی ما است. من از دولت می‌خواهم با استقلال و فکر و اراده، باقی‌مانده رژیم طاغوتی را که آثارش در تمام شئون کشور ریشه دارد پاک‌سازی کنند.

آیت‌الله خمینی در بیانیه دیگری خویش به‌درستی فاش کرد که بسیاری از چپ‌گرایان که سعی دارند در صفوف مردم ایجاد رخنه کنند همراه دیگر عوامل رژیم و مزدوران و خشن‌ترین از آن‌ها و دیگر مخالفان ارتجاعی جهان الهام می‌گیرند.

در تأیید این نظر باید تکرار اخبار مربوط به همکاری گروه‌های مائوئیستی که تا دیروز در صفوف مجاهدین ایجاد نفوذ می‌کردند و اکنون زیر نام‌های فریبنده نظیر «سازمان ییکار» در راه زحمانی طبقه کارگر، پنهان شده‌اند. بتوان نام برده که اخیراً در مطبوعات چین و در مطبوعات ایران گوشه‌ای از این فعالیت‌ها در جهت همکاری با ستاد چین و اسرائیل که یک سران پساواک و سیاهی آمریکا وصل می‌شود چاپ شد. در اعلامیه آیت‌الله خمینی از عوامل رژیم نیز نام برده می‌شود که همچنان در صفوف مردم ایجاد نفوذ می‌کنند.

### دو ژنرال ایرانی چرا برکنار شدند؟

برکناری و یا به‌قول سخنگوی دولت استعفاي سرلشکر قمری که از بدو تصدی درست ریاست ستاد ارتش باعث اعتراض‌هایی در میان مردم شده بود و همچنین کناره‌گیری سرلشکر مدنی از سمت وزارت دفاع از دلایل داخلی حتمی گفته بود. هر دو خبر در میان مردم با یک عکس‌العمل روبرو نشد. در هر دو مورد جدا از دلایل رسمی که در بیان سخنگوی دولت اعلام شد مردم به‌درستی نمی‌دانند این دوچهره برکنار شدند یا استعفا دادند و حقایق پشت پرده در این باره چیست.

بیانی از نظامیان و همچنین مردم غیر نظامی حاضر که از برکناری سرلشکر قمری و سرلشکر آسوده شد از کناره‌گیری سرلشکر مدنی متعجب کردند. این تعجب در بیانات و اظهاراتی که مردم به‌طرفداری از سرلشکر مدنی در تهران بخش ویرا کردند بی‌خبرانه قابل تکرار و محترم بود.

### تلقویون یاورچین پاورچین از کنار ییکر تانوار حرب گنشت

تلقویون تراخین روزهای قبل از فرزانمرد و پس از بخش دهها بیانیه و اعلامیه از سوی روحانیون مختلف که طی آنها مردم را دعوت به شرکت در فرزانمرد و دامن زدن به جمهوری اسلامی می‌نمود سراجیم به‌خطا فرمود که سازمان‌های سیاسی هم در ایران وجود دارند که نظرات مختلفی درباره فرزانمرد و جمهوری اسلامی دارند. از جمله این سازمان‌ها بدون تردید باید از حزب توده ایران نام برده که از دوازدهم اسفندماه سال گذشته نظرش را درباره فرزانمرد اعلام داشت و تأکید کرده بود که به توجه به مساجد و نظر کارگمای اعلام شده حضرت آیت‌الله خمینی به‌جمهوری اسلامی رأی می‌دهد.

اما تلقویون متأسفانه در نظرخواهی از سازمان‌های گروه‌های مختلف سیاسی در باره فرزانمرد حزب توده ایران را به‌دفعه فراموش کرد و حتی برچاسه ششمین اعضای دفتر مرکزی حزب و ایران آماندگی برای شرکت در این گونه نظرخواهی‌ها را ندیده گرفت و به‌خیال خود پاورچین یاورچین از کنار ییکر تانوار گنشت که سابقه ۳۳ سال مبارزه بی‌امان با رژیم پهلوی دارد شده بود. این تاریخ هم در این چنین می‌توان می‌جوید که چند هزاران شهید و زندانی و تبعیدی حزب توده ایران بر این مسیر دوخته شده است.

این تکراری هنگام تهیه خبر و رپورتاژ از مراسم فرزانمرد نیز تکرار شد اگرچه این‌بار ستم‌های ظن‌آلود نیز بر آن افزوده شده بود.

در حالی که شش کمیته مرکزی و افسر سازمان نظامی حزب توده ایران دست در دست می‌سرفرمایند قدیمی‌ترین زندانی سیاسی ایران نودوشوش خلق قهرمان ایران به‌جمهوری اسلامی رأی دهند تا جمهوری اسلامی رأی بدهند رپورتاژ خبری فرزانمرد از حوزه‌های می‌گردد. در اختیار پرتیچیه ۱۳-۱۴ ساله‌ای که کنار صندوق رأی ایستاده بود گذشت تا هر قدر دلس می‌خواهد طوطی‌وار از باطل‌های کاشنشینان کرم‌لین بگوید اگرچه کرم‌لین و حتی ورا لاید حفظ کرده بود نمی‌دانست لنین دهها سال آن جان را بدرد گرفته و دیگر در قیامات نیست که کرم‌لین‌نشین باشد.

این مساجد باطل‌های کودتاهای در حالی انجام شد که هر یک از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران که در حوزه‌های دیگر رأی می‌دهند حداقل دو برابر سن این کودتاگر در زندان‌های رژیم پهلوی نیز شش‌هفتاد شکست‌ها سیری کرده بودند و سرفرمای پس از ۳۳ سال زندان با عافیت مردم پاک‌زنده و درکنار تودم‌ها به‌جمهوری اسلامی رأی می‌دهد.

### توطئه عوامل رژیم ادامه دارد

اخبار مربوط به فعالیت‌های عوامل رژیم سرنگون‌شده سابق در خارج از کشور و داخل کشور که در استانه فرزانمرد و هنگام برقراری آن از طریق مطبوعات فاش شد یکبار دیگر نشان داد که ارتجاع و امپریالیسم هنوز نور امید در دل دارند و رؤیای باز نشد شرایط گذشته را دیر می‌پروند.

برای این جبهه تصمیم‌گیری ژنرال‌ها و توطئه‌چینان سرسوده رژیم سرنگون شده در برقراری پل‌ارتباطی بین بریا کنندگان این جبهه و کاخ شاه سابق در کشور مغرب و سپس هسته‌های مخفی ساواک برای اخلاص در فرزانمرد و زمینه‌سازی برای ایجاد جنگ داخلی در مناطق مختلف ایران از جمله این تلاش‌هاست.

در متن تمام این زمینه‌چینی‌ها که در هفته انجام فرزانمرد از عملیات سرسوده‌گان مسلح رژیم گذشته در استانه فرزانمرد و از جمله تهران باید یاد کرد که در روزنامه‌ها منتشر شد. توطئه برای رپودین صندوق‌های آرا - جمله به‌پاسداران - جمله به ستادها و برای گریب و جمله به‌ساز مرکزی فرزانمرد و ... از این جمله است. این نخستین عملیات سرسوده‌گان مسلح رژیم بوده و به‌عنوان کار سنتی در دستگیری و محاکمه طی آن‌ها ادامه باید آخرین به‌نحوه خواهد بود. به‌عنوان نمونه از خبر روزنامه اطلاعات در روز شنبه یازدهم فروردین باید نام بگیریم که حکایت از خبر توطئه یک شبکه بین‌المللی داشت.

گفته می‌شود این سازمان ۲ هزار عضو در ایران دارد و با سازمان اطلاعاتی آمریکا در ارتباط است. تروی و ایجاد زمینه لازم برای جنگ داخلی از وظایف چنین سازمانی بوده است که نظیر آن شبکه هنوز در ایران کم نیست.

# در افغانستان چه می‌گذرد؟

انقلاب آوریل افغانستان با به‌هم‌زدن موازنه نیروها در منطقه، شرایط استعجاب‌برانگیزی برای پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ایران فراهم آورد. انقلاب ایران با ایجاد تبادل جدید سیاسی و نظامی، به‌تدریج در منطقه بلکه در جهان، اثرات غیر قابل انکار و بی‌زمان ژرف‌های ارتجاعی و وابسته و نیز امپریالیسم جهانی برپای نهاد. این واقعیت، پیوند طبیعی، سنگر مشترک و مانع واحد دو انقلاب هم‌بازه را پرورشی نشان می‌دهد و در عین حال به‌تدریج صفت شد امپریالیستی و عناصر مترقی ملت‌های که در آن‌هاست، تمامی نوع منظم ارتجاعی محلی و جهانی را در حیات انواع کارگزاران، توطئه‌چینی‌ها، تحریکات و دوپهلویی‌ها، بر ضدشان برمی‌انگیزد. ایجاد آتش و سوختن و پهران در روابط ایران و افغانستان، دو کشور که هرگونه خصومت و کینه‌های آن‌ها بر علیه همه به‌هم‌بازیه تحت هر نام یا جدی، نه‌تنها غیرمنطقی و پزنان‌ور است، بلکه بیش‌تازماند و به‌ضرر رساننده انقلاب را در هر دو کشور چهار معاصر، و مشخصه می‌باشد و اساساً این سیر را به‌تدریج می‌تواند. مخالف امپریالیستی و حتمیت‌محلی آن‌ها می‌گردد با ایجاد تشنج در مناسبات ایران و افغانستان، پیش از ارزیابی انقلاب را که باید صرف به‌سازی و تحولات اساسی و محو خصمانگی و وابستگی و به‌رگز بکنند و عنصر خصمه، خصمانه‌ترین مستورترین جدید افغانستان این هفته رسماً اعلام داشت که «استان» و مدارک حکمی به‌بست دولت افغانه که ثابت می‌کند عوامل توطئه و تحریک در مین ما از خارج پور و تجویزات دریافت می‌دارند، مستورترین افغانستان در مساجد دیگری با غیرکارگران این سرچنان تحریک و تشنج را این‌طور معرفی کرد:

«امپریالیست‌ها، بویژه امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس، با همکاری توطئه‌چینان و داریوست‌چینی‌های حاکم بر اسرائیل، اسلمه و پول برای با‌دهای ترویست و ژنودال‌های خلیج فارس در افغانستان می‌فرستند. آن‌ها و نامرد می‌کنند که رژیم انقلابی افغانستان ضمن این اعلام است، می‌خواهد احساسات و علاقه مندی مردم را متروک کند، اما تحریکات این مسائل در جهت‌های از ارزیابی اسلام نیست. علیه منابع واقعی مردم است. علیه حزب حاکم است که به‌بست مندی و اعتقادات دینی مردم صیقل احترام می‌گذارد و همه‌گونه ماصعدت را در اجرای فریبی مندی مقرر برای آن‌ها فراهم می‌دارد. نخست وزیر افغانستان با پاکستان به‌هم‌تکرار و وزیر فرهنگ و کانون فرهنگی پلوا نام برده و تاکتیک کرد که همه این‌تلاش‌ها برای متوقف کردن اصلاحات انقلابی»

چهارم: مزارع فروشندهگان نشريات حرب تودم‌ها ایران می‌شوند؟

از برخی شهرها گزاری می‌رسد که عناصری زیر پوشش انواع ناها و از جمله کینه‌های انقلاب مانع توزیع و فروش نشريات حرب توده ایران و از آن‌جمله روزنامه مردم می‌شوند. به‌عنوان نمونه از شهرهای افغانستان، تریز، ابدان، شیراز، شوار و جهرم گزاری‌هایی در این زمینه رسیده است که مشخصه منگی حکایت از سهل‌انگاری و بی‌توجهی مسئولین دولتی و کینه‌های انقلابی و احتمالاً تحریکاتی با کانی دارد که سد راه توزیع و فروش نشريات حربی شده‌اند. در چهارم طبق اطلاعاتی که به ما رسیده است سه نفر از هواداران حزب توده ایران و نیز همراه با نشريات دستگیر کرده‌اند که خویشاوندی از مذاکراتی در محل و در تهران شنبه به‌این دستگیری غیر قانونی خانه داده می‌شود.

در شوار نیز براساس گزارش‌های رسیده پس از ایجاد مزاحمت‌های مکرر برای هواداران حزب در جریان فروش و توزیع نشريات حرب مقامات مشول و از جمله فرماندار شهر با آن که در روز ششم فروردین اعلام داشته بود فروش نشريات آزاد است در روز ششم فروردین به هواداران حزب که برای گزارش مزاحمت‌های عناصر متعصب در شهر مراجعه کرده بودند اظهار می‌دارد که فروش نشريات حربی ممنوع به‌اجازه مشول مقامات و وزارت کشور است. من در تهیه از اینگونه عملیات با توجه به تمام اظهارات رسمی و غیررسمی رهبران انقلاب و مسئولین دولت موقت انقلاب از کینه‌های انقلاب و دولت می‌خواهم تا در این زمینه خاص برای جلوگیری از هرگونه سوءفهمی نظرات خود را رسماً اعلام دارم.

### جنايت‌كاران را مجازات كنيد

از آن‌جا که اخیر می‌رسد که اسامی متعدد خاندان‌های متعصب از مزدوران جنایت‌کار رژیم سابق و نماینده مجلس زناوی رستاخیزی که چندین پیش توسط کمیته انقلاب تریز دستگیر شده بود از چنگال عدالت گریخته و در منطقه شهر کلیبر با اسامی که از طرف نام سابق باو هدیه شده بود به‌عنوان نماینده کمیته به‌اعمال جنایت‌کار و ضد مردمی خود ادامه می‌دهد. عمده‌ای از اهالی برنامه سرگنده‌ای که برای آماج‌خیزش رستاخیزه‌اند، ضمن بزرگداشت موارد جنایات او از جمله قتل، غارت، همکاری با ساواک و سرپرست‌نشینان و غیره و شواهد مستغری و مجازات فوری او شده‌اند. در این‌نامه که اسامی پیش از سندفراز اهالی تریز آن است گفته می‌شود که هنوز بسیاری از عوامل و عناصر ضد انقلابی و جنایت‌کار دستگیر نشده‌اند و حتی عمده‌ای از آنان خود را به‌پایان انقلابی درآورده و در کمیته‌های انقلاب اسلامی رخنه کرده‌اند تا از درون به‌پیشی انقلابی مردم تریز وارد کنند.

تर्फ به‌برنداری از نیروی برق‌اند. وزیر صنایع و آب و برق افغانستان شنبه گذشته در توضیح اهمیت برنامه الکترونیک کشور گفت: «بلا‌این‌سطح فراتر از روستاها و حتی مدن‌نور، با اجرای این برنامه بنشی مستقیم دارد» او گفت:

«برنامه شربی برای کشرش شبکه های آبیاری، روستاهای بسیاری به‌سویات تازه و امی‌دارد. تنها یک مجموعه از این برنامه در شمال کشور با ساختن سد اضراقی و ترعه وزه‌کنی ۵۰ هزاره‌کار زمین لغیرت را قابل زراعت کرده است.»

در حالی که نظرات در شهرها و روستاهای افغانستان چاب‌انداری‌ها و ادانات انقلابی دولت ادامه دارد، به‌آسانی قابل درک است که چه مناطقی از برنامه‌ها اصلاحی که به‌درگونی سیاسی افغانستان پرداخته و به‌عصر این کشور را از اعصاب قرون وسطا، به‌عصر حاضر بکشد، بخش‌گیرنده

### دستاوردهای انقلاب را...

به‌خصوص عین زنگ‌ن تسلط امپریالیسم و درهم شکستن رژیم شاه نیست. برای هنوز امپریالیسم مواضعی می‌دهد. در سیاست، اقتصاد، ارتش و فرهنگ ما در اختیار دارد. وجود قراردادهای تجارت آفر سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که مردم میهن ما از بسیاری از آن‌ها بی‌بلاع‌اند، و قبل از همه قراردادهای چایه نظامی ایران و آمریکا و قرارداد تسلیحاتی که به‌امپریالیسم، امکان درجه اول امپریالیسم آمریکا، امکان می‌دهد که بر علیه انقلاب توطئه کند. سیر تداملی انقلاب را متوقف سازد و زمینه را برای استقرار تسلط مجدد و کامل خود بر مین ما فراهم آورد، بهترین گواهی بر این مدعاست.

رژیم شاه متروک هم هنوز مواضع مهمی در اختیار دارد. وجود عوامل رژیم سابق و قبل از همه عدال ساواک در دستگاه دولتی، بویژه در ارتش، ضرابی ژاندارمری، و نیمه‌کاره مانع تصیبات مساجد و مجازات خیانت‌کاران، زنجیر کاران و غارت‌گران که به‌هواداران رژیم سابق امکان می‌دهد که با پشتیبانی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، به تلاش امریسی خود برای تحریک اخلاص و توطئه بر ضد انقلاب ادامه دهند و حتی آنرا تشدید کنند تا زمینه‌ها برای بازگشت به‌عنوان سیاه گذشته فراهم سازند. تردیدی در این باره باقی نمی‌ماند.

بدینسان تحکیم دستاوردهای انقلاب یعنی زنگ‌ن تسلط امپریالیسم از سخته‌های اقتصاد، ارتش، فرهنگ و از راه ایجاد کلیه قراردادهای تجارت آفر سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی درجه اول امپریالیسم ایران و آمریکا و قرارداد تسلیحاتی و ملی کرن‌کلیه‌موسسات منشی، کشاورزی و مالی متعلق به اصنام‌ها و دولتهای امپریالیستی، یعنی درهم شکستن دستگاه خیانت، غارت، اختاپ و فساد سابق از راه متعصب، قاطع و کامل موازنه سابق از دستگاه دولتی، بویژه ارتش، ضرابی ژاندارمری، تصیبات مساجد و مجازات خیانت‌کاران، چاب‌انداری و غارت‌گران، و قبل از همه خاندان‌های پهلوی و عدال ساواک و مقامات خودفروخته ارتش و کشور، ملی کرن‌کلیه‌موسسات و فساد سابق و واحد با‌هائو و موسسات بی‌شخصی و واحد با‌هائو بزرگ منشی و کشاورزی که در دست کارگران و سرمایه‌داران وابسته به رژیم سرنگون شده متروک و به‌طور عمده با سرمایه‌های مالی امپریالیستی پیوند دارند و مداره‌لرت‌های متعلق به خاندان‌های پهلوی و گردانندگان رژیم لازم به‌تاکید نیست که بدون عمل قاطع و بی‌گدر در این زمینه، انقلابی که به‌سببهای فسادکاری‌ها و فریب‌های خلق قهرمان ما صورت گرفته، در معرض خطا دانسته است و کانی که آگاهانه یا ناآگاهانه و به‌هم‌بازیه عنوان، در ایجاب این وظایف عاجزانه‌ی تعالی می‌کنند در برابر مردم ماشولند. این را هم باید گفت که همان‌طور که انقلاب ما با مبارزه متحد خلق ما صورت گرفته، تحکیم دستاوردهای انقلاب نیز فقط با مبارزه متحد همه نیروهای خلق انقلابی‌هاست. و حزب ما، مانند گذشته، تیار و متعهد است که با کار خواهد بود تا سهم خود را در ادامه این مبارزه و تحکیم این اتحاد ادا کند.

### هر چه، ارگان مرکزی حزب توده ایران

فلا هفته‌ای یکبار، روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

### نشانی موقت: تهران، خیابان ۱۶ آذر

روپری دانشکده فنی، شماره ۶۸

# از تاریخ پیاموزیم

## نقش سوسیال دموکراسی در انقلاب مشروطه

مقدمه

انقلاب مشروطه ایران طی دهه سال از طرف بسیاری از مورخین و از جوانب گوناگون بررسی شده و ما را قند آن نیست که به این واقعه بزرگ گردانیم و تاریخ آنرا به طور همه جانبه از نو بررسی کنیم. جنبش انقلابی ما به چنین تئوری نیاز فوری ندارد و هر چه نمی تواند و نباید به آن بپردازد. اما نگاهی کنکرا بیکی و فطری از جنبش مشروطه، یعنی نقش سوسیال دموکراسی در این جنبش به دلایل فراوانی موجه است و تئوریت دارد. از جمله باید بچند دلیل اساسی زیر توجه داشت:

۱. جنبش انقلابی کنونی ایران دنباله منطقی جنبش مشروطه است. طبعی است که دوران تاریخی از مشروطه تا به امروز تغییر نیابد کرده و در جامعه ایران نیز تغییرات اساسی حاصل شده و لذا وظایف انقلاب نیز مایه های دیگر به خود مستوی نویی پیدا کرده است. ولی وظایف اساسی ضدامپریالیستی و ضد استبدادی در خطوط کلی خود باقی است و به این دلیل و در همان حدودی نه جنبش انقلابی امروز ایران دنباله منطقی جنبش مشروطه است. منی انقلابی حزب طبقه کارگر- نیز دنباله منطقی منی سوسیال دموکراسی انقلابی است که طی زمان غیرت و کامل شده است.

آشنائی کنکرا بخشی سوسیال دموکراسی انقلابی در جنبش مشروطه به درک عمیق تر منی انقلابی حزب توده ایران در جنبش کنونی کمک می کند.

۲. سوسیال دموکراسی ایران از همان آغاز با سوسیال دموکراسی انقلابی روسیه به هم پیوسته است و این ارتباط با سوسیال دموکراسی ایران در انقلاب مشروطه از تئوری جنبش انقلابی که سنگ پایه های آن همان زمان گذاشته می شد، الهام می گرفت. نظر لنین نسبت به انقلاب های شرق امپریالیستی کشورهای مستعمره و وابسته از همان زمان با نظر اپورتونیستی های انترناسیونال دوم از ریشه تفاوت می کرد. آشنائی با این تفاوت و انعکاس آن در منی سوسیال دموکراسی ایران امکان می دهد که تفاوت های کنونی منی حزب توده ایران با منی سایر نیروهای چپ یا چپ نما بهتر درک شود و عناصر مثبت جنبش دیابند که تفاوت در برداشته های امری تصادفی و خلق الساعه نیست.

۳. یادآوری منی سوسیال دموکراسی انقلابی ایران و به ویژه گوش موفقیت آمیز آن برای شناخت سنت های جامعه ایرانی و نقش توده های مؤمن با سایر در جنبش ضدامپریالیستی، به محافل مدتی غیر توده ای کمک می کند تا توجه کنند که سیاست حزب ما برای اتحاد با سازمان های ضد امپریالیستی معتقد به منطبق، برخلاف انبانی عوامل سازمان های جاسوسی امپریالیستی، فرستادگی و تاکتیک و به اصطلاح «پولیتیک» نیست. منی جاتانده اشتراک است که پایه های آن از زمان انقلاب مشروطه ایران و بر اساس آموزش لنینی گذاشته شده است.

۴. آشنائی کوتاه با مبارزات فدائیکارانه سوسیال دموکراسی انقلابی ایران ماسک نورکان دیرپایه سیا و ساواک را که به نام بررسی تاریخ جنبش کارگری بدلین برآگهی علیه آن متشکلین می برد و هر انقلابی آگاه کارگری را در برابر هر امری شایسته و رشد جنبش کارگری ایران و در برابر این واقعیت قرار می دهد که دست یافتن به مارکسیسم - لنینیسم، آموختن آن و کاربردش در یک جامعه آسیائی و شرقی مانند ایران یک پرسه تکاملی است. کار علم و پرستش است که چندین نسل از انقلابیون مدتی ایران، از قبل از مشروطه تا به امروز، فدائیکارانه در راه انجاش کوشیده اند و می کوشند.

این کار علم و پرستش را پاسداریم.

### ۱. دو تاکتیک سوسیال دموکراسی

اثر بزرگ لنین دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک که در جریان انقلاب ۱۹۰۵ روسیه نوشته شده، تا کنون در ارتباط با منی سوسیال دموکراسی در انقلاب مشروطه ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. البته در این اثر هنوز آسیائی جنبش های انقلابی کشورهای مستعمره نیست و لنین به طور کلی مشخص و روشن درباره انقلاب روسیه سخن می گوید. اما در همین اثر در مورد تفاوت و انقلاب سوسیالیستی را می توان دید. مورد برخورد و مورد بحثی که در آنبندی نهمندان دور تئوری لنینی انقلاب سوسیالیستی را از انواع تئوری های غیر انقلابی و اپورتونیستی سوسیال دموکرات های انترناسیونال دوم به طور کامل جدا کرد.

لنین از همان سالها این نکته اساسی را درک می کند که تاریخ جهانی وارد دوران نوین شده است. این دوران، دوران امپریالیسم است. دوران «توتان جایی» است. دورانی است که در آن سیاست امپریالیسم آسیا را برانگیزد و اروپا را زوی بکنه باروت نشانده است. توجه باین واقعیت که در تاریخ جهانی دوران نوینی گشوده شده است، برای تعیین منی سوسیال دموکراسی انقلابی دارای اهمیت درجه اول است زیرا منی انقلابی را تنها زمانی می توان به درستی تعیین کرد که دوران تاریخی بدرستی شناخته شده باشد و معلوم گردد که:

«کدام طبقه در مرکز این یا آن دوران قرار گرفته و محتوی عمده و سنت عمده تکامل و خصوصیات عمده محیط تاریخی و غیره را در دوران مفروض تعیین می کند.»

لنین با درک درست علمی که در دوران تاریخی داشت و گذار سرمایه داری جهانی به مرحله امپریالیسم و تابعی حاصله از آن را به درستی ارزیابی می کرد از انقلاب ۱۹۰۵ روسی برای حزب سوسیال دموکرات (آن روزها احزاب کارگری مارکسیستی چین نامیده می شدند) منی نوینی در انقلاب دموکراتیک تعیین کرد. موافق این منی طبقه کارگر می توانست، سیاست در انقلاب دموکراتیک هم سرگردگی را بدست گیرد، کلیت کارگر می توانست و می باید هم تفرها و طبقات واقعا بیروزگار جامعه و قبل از همه دهقانان را بدور خود گرد آورد و به نیروی قلمی در انقلاب دموکراتیک رهمنون شود.

این منی برخلاف آنچه شاید در نخستین برخورد به نظر آید تنها به انقلاب روسیه محدود نیست. لنین از همین زمان تئوری انقلابی خود را که خلعت چاهنشود دارد پایه زری می کند و توجه می دهد که انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، خلعت ضدامپریالیستی دارد. به سوسیال دموکراسی جهانی نیست، نیروی ذخیره انقلاب پرولتری جهانی است.

در آسیا هم چنان جنبش دموکراتیک نیرومندی نشو و نما می یابد و در دست و دامنه آن افزوده می شود و مستحکم می گردد. چه وجد و خشی این جنبش جهانی در قلوب کلیه کارگران آگاهی که می دانند راه کلکتویسم از دموکراسی

می گذرد تولید می نمایند؛ چه علاقه عینی نسبت به آسیای جوان سراپای وجود دموکرات های شراشند را فرا گرفته است.»

لنین از همین زمان دو اندیشه اصلی زیر را مطرح می کند:

«نخست اینکه در دوران نوین بورژوازی اروپا زوال یافته و ارتجاعی شده، و خلعت شرقی خود را از دست داده ولی در آسیا بورژوازی هنوز به اتفاق مردم برسد ارتجاع گام بر ندارد.»

دوم اینکه پرولتاریاسی جهانی و خلفای تحت منی متحد طبیعی بکنند که تمام آسیای جوان منی سدها میلیون زخمکننده در آسیا، در وجود پرولتاریای کلیه کشورهای متشکل متحد مطمئن سازند.»

لنین به از روی تئوریت بلکه با روشن بینی یک دانشمند نابغه اطمینان می دهد که وقتی اتحاد پرولتاریا با توده های زخمکننده غیر پرولتری و خلفای این برقرار شود، «دهج نیروی هر جهان قادر به جلوگیری از پیروزی این پرولتاریا در همه ملت های اروپا و هم ملت های آسیا را آزاد خواهد کرد، خواه بود.»

اندیشه های لنین که درباره مبارزات خلفای مستعمرات آوریوم متعیناً در ارتباط با انقلاب مشروطه ایران (و انقلاب های ترکیه و چین) تدوین شده است، لنین و بلشویک ها با این روح انقلاب مشروطه ایران را بررسی و درک می کردند. با این روح به کمک آن می شناختند و سوسیال دموکرات های ایران را نیز با این روح آموزش می دادند.

در زمانی که لنین این اندیشه های درخشان را بیان می کرد صف محافظ اپورتونیستی در انترناسیونال دوم از صف مارکسیسم جدا می شد و نقطه نظر این محافظ از ریشه با نقطه نظر لنین تفاوت می کرد. آسان درک نمی گردید (علی غیبی طبقاتی این عدم درک خارج از موضوع بحث است) که تاریخ جهان وارد دوران نوینی شده، بورژوازی اروپا خلعت شرقی خود را از دست داده و ارتجاعی شده و در عوض توده های مستحکم و بویژه توده دهقان به حرکت درآمده و آماجگ بیشتری برای پیشش رهبری طبقه کارگر و شرکت قاطع در انقلاب دموکراتیک پیدا کرده است. در کشورهای مستعمره نیز توده خلق به خاسته اند و انجاش که هنوز بورژوازی خلعت شرقی دارد.

از این دو برهائت متفاوت دو منی متقابل بدست می آید:

۱. برای لنین، تلاش برای تشکیل وسیع ترین اتحاد نیروهای مستحکم و قبل از همه اتحاد کارگران و دهقانان نیز رهبری طبقه کارگر برای مبارزه با ارتجاع و بورژوازی اروپائی متحد آن، و همچنین تلاش برای اتحاد طبقه کارگر اروپا با خلفای مستعمره و سوق آن به سوی پیروزی قاطع دموکراسی.

۲. منی ضد لنینی و اپورتونیستی: کوشش برای اتحاد بورژوازی لیبرال و پیشش رهبری آن که عملاً و مسلماً به نفع پیوند پرولتاریا با دهقانان می انجامد و در مورد انقلاب خلفای مستعمره پرولتاریا را اروپا را در کار بورژوازی امپریالیستی و در مقابل این خلفا قرار می دهد.

این دو منی از آغاز قرن بیستم آمد و رتصرفه بیشتر شکل گرفت تا به آنگاه رسیده که سوسیال دموکرات های راست و سوسیالیست های نگارنگ اروپائی در زمان فقط از سیاست غارت گرانه امپریالیستی در مستعمرات دفاع می کنند بلکه حتی خود در غالب موارد مجریان این سیاستند.

\*\*\*

از این دو منی اساسی که نام برده شده خواهد بود دو نوع برخورد نسبت به دهقانان و مردم مستعمرات حاصل می شود. منی ضد لنینی که اهمیت اتحاد پرولتاریا با دهقانان و حمایت اتحاد خلفای مستعمرات را بیگانه است کسی که اهمیت و ضرورت این اتحاد را درک نکند نمی تواند ادب، رسوم، سن و فرهنگ خلفا و اشکال ویژه اپیدولوژی دهقانی را بفهمد. برای او دهقانان توده ارتجاعی، برای او جنبش های انقلابی خلفای مستعمره - به بلور عمده در پوشش منعی تبلی کرد و توام با بازگشت به منی و فرهنگ گذشته و نفرت نسبت به فرهنگ بورژوازی غارتگر امپریالیستی است - بازگشت به منی و رسالت.

کنگره بین المللی سوسیالیست ها که در ۱۹۰۷ - در دست در پیروجه انقلاب مشروطه ایران - در شهر استوگارت تشکیل شد، در منته مستعمراتی به موفقیت تقریباً مساوی تصمیم داد. محافظی که طرف سیاست امپریالیستی را می گرفتند، وضعیت خلفای مستعمره را ارتجاعی می دانستند و برای سرمایه امپریالیستی نقش مثبت و متشکل کننده قائل بودند ۱۵۸ رای به دست آورده و چنانچه که روح انقلابی داشت ۱۲۷ رای آورد و به زحمت توانست قطعنامه ای به تصویب رساند که در آن سیاست مستعمراتی محکوم شده است.

محافظ اپورتونیستی و نیکران سرمایه امپریالیستی در جنبش کارگری، از سیاست مستعمراتی حمایت می کردند. آنها خلفای مستعمره را لایق آزادی و استقلال نمی دانستند و برای بورژوازی امپریالیستی این «رسالت تاریخی» را قائل بودند. که با خون و آتش و غارت، این خلفا را «دشمن» کند. لنین در پاسخ آنان می گوید:

«سوسیالیسم هرگز امتناع نکرده و امتناع نمی کند از رفم - از جمله در مستعمرات - حمایت کند، ولی بین حمایت از رفم و مواضع اصولی ما علیه تحمیر و امیرکردن خلفای دیگر و علیه رورقوبی و غارت ثری - نه سیاست مستعمراتی، نه تشکیل می دهد - کمترین وجه اشتراکی وجود ندارد.»

هنوز در آن زمان کائوتسکی به طور آشکارا به سوسیال دموکراسی پیوسته بود و از خلفای مستحکم دفاع می کرد و سیاست مستعمراتی امپریالیسم را محکوم می کرد ولی در تئوریهائی که به سوسیالیست دموکرات های ایران می فرستاد منی نوشت:

«در نهضت دموکراتیک که از جانب تمام اقشار زخمکننده پشتیبانی شود، همیشه تمایلات ارتجاعی وجود دارد که نباید آن را در جهت از منی قست های خرده بورژوازی و روستائیان است.»

این پایه گیری در نظریات کائوتسکی چنان که می دانیم او را سرانجام در باقلا اپورتونیسم فرو برد. حرکت شایسته انگیز منی لنین در آنت که این منی پیگیر و

یکنه چه است و جایی برای عقب گرده باقی نمی گذارد. وقتی لنین می گوید که باید با توده دهقان متحد شد، این مطلب ساده و ابتدائی را در نظر دارد که این توده دارای عقاید منعی و شاید هم دارای معتقدات خرافی است. لنین می داند که نه تنها توده دهقان بلکه قشرهای وسیعی از کارگران نیز معتقدات منعی دارند. ولی از اینجا به این نتیجه نمی رسد که ضرورت تحمیر و جدت سوسیالیست کارگر و با در اصل ضرورت اتحاد با توده دهقان تردید کند و استخوان لای زخم بگذارد. بلکه برعکس درست در همین زمانی که ضرورت این وحدت و این اتحاد را قید می کند سیاست سوسیال دموکراسی روس را نسبت به منعی بر پایه اصولی تعیین می کند. لنین نشان می دهد که هر کسوری از این حیث شرایط ویژه ای دارد. و لذا یک انقلابی مارکسیست در عین اینکه موظف است همواره از اصول عقاید خود دفاع کرده به امر روشن تری بپردازد، نباید از همان راهی برود که ماتیالیست بورژوا می رود.

چنان که می دانیم روشنگران بورژوا ولو این که در درک طبیعت ماتیالیست باشند در درک جامعه بشری ماتیالیست نیستند و لذا ریشه های طبیعی اپیدولوژی و جهان بینی ها را نمی شناسد و لذا گمان می کند که اگر به منعی اعلان جنگ بدهد، کار تمام است. ولی یک مارکسیست کسی که با ماتیالیست تاریخی متفق است باید بداند که اصل کار آن مباحث اجتنابی است که در عین اپیدولوژی و یا جهانی بی سرمانی آن استوار شده و آن را در خود می کشد. اگر کسی برای مارکسیست اصل کار ایجاد چنان نیروی اجتماعی است که این مباحث را تغییر دهد و لذا مارکسیست مباحثات خود را با منعی:

«تابع وظیفه اساسی خود می داند، یعنی تابع روند مبارزه توده استوار شونده علیه استعمارگران.»

لنین ادامه می دهد:

«کسی که درباره مباحث ماتیالیسم دیکتاتیک یعنی فلسفه مارکسی و انگلیسی به حد کافی نیاندیشیده باشد، شاید این حکم را درک نکند.»

ولی کسی که مارکسیسم را فهمیده باشد این حکم را هم خواهد فهمید. لنین در اینجا مثال روشنی می آورد و فرشی می کند که در ناهماهلی و رتئای از سمت بعضی از کارگران غیر منعی و بخش دیگر دارای معتقدات منعی باشند و مبارزه اقتصادی به احتساب بیانجامد. چه باید کرد؟

لنین می گوید:

«مارکسیست مسلماً باید پیروزی احتساب را در درجه اول اهمیت بداند و با قاطعیت تمام مانع از آن شود که کارگران به دو صف منعی و غیر منعی تقسیم شوند. مارکسیست باید علیه این نوع تقسیم بندی مبارزه کند. در این موقع موصله علیه منعی زائد و زیان بخش است - نه از نظر ملاحظات کساکتارانه ای از این نوع که قشرهای ضعیفانه را از عوتمان برانهد، بلکه از موقع اشتباهات بهما رای ندهند و غیره - است.»

لنین روش گمانی را که خلاف این عمل کند آزار بخشی می داند و معتقد است که روش آزار بخشی به بورژوازی و آخوندبازی خدمت می کند و نه به پرولتاریا و روشن گری.

لنین می گوید:

«مارکسیست باید «ماتیالیست» باشد... مارکسیست باید اوضاع مشخص را به طور کامل با حساب آورد و همواره رمز میان آزار بخشی و اپورتونیسم را بیابد.»

وقتی لنین درباره مباحثات منعی ها و غیر منعی ها در دوران پرولتاریا چنین می اندیشد طبیعتی است که در باره اتحاد پرولتاریا و دهقانان و بطریق اولی اتحاد پرولتاریا جهانی با خلفای مستعمره نیز از همین جهت غریب می کند. اتحاد علیه دشمن مشترک یعنی اشتداد و امپریالیسم بالاتر از هر چیزی دیگر است. بگذار هر کسی با معتقدات خویش در این اتحاد شرکت کند. رمز را باید میان انقلاب و ضد انقلاب، مدافعین امپریالیسم و مبارزین ضد امپریالیست کشید و نه میان صاحبان عقاید و یا مذاهب گوناگون.

با چنین برخوردی است که لنین از انقلاب مشروطه ایران و انقلاب ترکیه و چین به سود می آید و با چنان شور و شوقی از این انقلاب ها استقبال می کند که در نوشته های او کثیر است. برخلاف «اندیشندان» خادم بورژوازی امپریالیستی برای لنین این مسئله که شکل انقلاب در ایران و یا چین چگونه است انقلابیون چه منعی دارند، چه لایسی می روند مطرح نیست. بلکه این مسئله مطرح است که در ایران نیروی عظیمی علیه امپریالیسم به حرکت آمده است. لنین باتمام وجود از این نیرو حمایت می کند و بلشویک های روس را روانه ایران می کند تا در سحر وحدت و بهرمانه صاحبان مشروطه بزمند. بسیاری از آنان در همین سنگر جان باختند و در کنار کور مجاهدین مسلمان مشروطه طلب به خاک سپرده شدند. یادشان گرامی باد.

- ادامه دارد
- ۱. لنین: عقاید تاریخی آموزش کارل مارکس. منشورات ناسر، جلد اول، قسمت اول، ص ۸۸.
  - ۲. لنین: مجموعه آثار. جلد ۲۶. صفحه ۱۶۵.
  - ۳. لنین: اروپای عقب مانده و آسیای پیشرو. منشورات، جلد اول، قسمت دوم، ص ۳۶۵.
  - ۴. لنین: اروپای عقب مانده و آسیای پیشرو. منشورات، جلد اول، قسمت دوم، ترجمه فارسی، ص ۳۶۶.
  - ۵. لنین: کنگره جهانی سوسیالیست در استوگارت: جلد ۱۳، چاپ چهارم روسی، ص ۷۱.
  - ۶. نقل از مقاله بدالامین آگاهی: دوران اولیه نوآندیشه های مارکسیستی در ایران.
  - ۷ و ۸. لنین: جلد ۱۵ آثار، چاپ چهارم، ص ۳۷۵، تکیه از خود لنین است.
  - ۹ و ۱۰. لنین: همانجا، تکیه از ما است.





# تشدید فعالیت مائوئیست‌ها

تشدید فعالیت مائوئیست‌ها در ایران، در رابطه با استادی که در سفارت اسرائیل در تهران پست آمد و از همکاری با مائوئیست‌ها و اسرائیل و محافل مائوئیستی ایران علیه جنبش‌های انقلابی و یوزره انقلاب مائوئیست‌ها و فلسطین برده برمی‌دارد، وظیفه یک مبارزه جدی و افشاری بی‌گیزا برای رسوا کردن این دشمنان نماینده خلق و طرد کامل آنها، در برابر کتله نیروهای ملی و آزادیخواه قرار می‌دهد. امام خمینی پیشنهادی که مائوئیست‌ها برای پرداخت به مقاصد امپریالیسم امریکارا در زیر چپ‌پوشی‌های بی‌ایمنی می‌زنند، امام گفت که این چپ‌پوشی‌ها با نقیضاتی و کارشکنی می‌خواهند کشته را دوباره بر گردانند. این دشمنان، امام نقش رهبری را که مردمان و ملت‌ها جنبش انقلابی مردم ایران بر علیه مائوئیسم و با نفوذی چپ‌گرایی به هم رسانده، بر ملا می‌کنند. در واقع این چپ‌پوشی‌ها جزئی از یک سیاست جهانی است که در ترکیبی و همکاری با مائوئیست‌ها در محافل امپریالیستی، تزاریست و فاشیستی تأیید و حمایت توجه دیکتاتورهای نظامی جهان سابق ایران و پیشواها و سربرگ‌های چپ‌انگیزان، سلطان قابوسی، جنس‌های تیزی و موبوتو، جلوه‌های مختلف خود را نشان داده، در تأیید و تشویق بی‌پایان نظامی و دست‌بندی تجاوزگری ظلمت‌سوز و نانو، و در شرکتی علیه خلق آنگولا و در کنار مزدوران انگلیسی و امریکایی و ارتش ژاپنستان افریقای جنوبی اصطلاح عمیق خود را نشان داده و در هجوم وحشیانه تمام با قتل‌عام و آتش‌سوزی و پویش صلح‌جو، ورشکستگی اخلاقی، سیاسی و ایدئولوژیک خود را به این‌ها رسانده است.

مائوئیست‌های ایرانی، عاملان و بنیادین چنین سیاست هستند، اما به‌خاطر رسوا شدن غیربهای مائوئیسم، بنابر مائوئیسم و مختلف و اهداف دیگر پناه برده‌اند. مائوئیسم و نام آن‌ها هرچه باشد، صفت مشخصه و بارزترین بره هويت آن‌ها شمار کمیت بودن آن‌ها است. آن‌ها جزایر دفاع از خود، مبنی بر مائوئیسم و این‌ها نیستند. آن‌ها در ترازوی این‌ها نیستند، خود، مبنی بر مائوئیسم و این‌ها نیستند، علی‌الوجه از ارتجاع ایران را ندارند، اما در عین حال و کین‌ورزی به حزب توده ایران، این مائوئیست‌ها را از پیش می‌برند. آن‌ها همان‌طور که در عرصه جهانی به‌کارگرفته شده‌اند، در داخل ایران در هر جنبش که می‌تواند نشتر آخته بهم خود را بفرود بدهند، مائوئیست‌ها و جریان‌های انقلابی خود آورده‌اند. مائوئیست‌ها در داخل سازمان‌های مجاهدین خلق ایران بضمیت خمینی و سازمان که در حاشیه‌های لحظات تیره با دیکتاتوری و امپریالیسم، منجر به افشار محراب و انتاب‌گراهی در داخل این سازمان پیکارجو و نیز قتل‌چاپ‌کارانه تنی چند از رهبران مؤمن و متقی آن شده، نمونه‌ای از این پست است.

# آله‌ای که پیام بهار را داد و رفت

«با حزب توده تاریخ و سرگذشت شکرپی همنوش است، چیزی مرموز و پرجاذبه، چیزی به تبرک روزیغ و سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این‌حرب موج می‌زند، چیزی شیبه موج و نوافان...»

رسیده بودای وار میاز، کرده و توده‌ای‌وار شیبه عیش را بر سنگ والترین ارزق-های مردمی گرفت.

دیگر از یادان و هم‌زمان ما در سنگ حقیقت و مردم به‌فانیت رسید. حجت‌الله ترمیسی، دبیر روستاهای مازندران به‌روایت روستا و تا درواش ده سوک او را بر سر مزارش با اندوهش از بیرو و خارها بر گزار کرده آله‌ای بود که پیام بهار را داد و رفت.

زندگی ساده این معلم توده‌ای سرمنش از وفاداری و رزم و ایثار است. رنج برین در راه آرمانی که از خلق و عظمت خلق و طبقه کارگر، روشنائی می‌گردد، به‌استقلال زندان و شکنجه و دژیم رفتن تا از مرگ و خطر برای دیگران عدالت و فتح و لیضد بافریند، مردن برای این که زندگی دیگران رست و میل پاینده چنین اثر راه و رسم برسی که توده‌ای

آمد خلق به‌مردم رمق و بیرویش بود. خلق به‌فانیت و آزادی زره توفان‌بهری بود که از ایمان او محافظت می‌نمود. ساواک که در وجود او نشانی‌اشی ناپذیر برای خود و دوستی پرشور برادرشکتان، با قفسی به‌صمیم تاریخ همه مردم، کشف کرده بود کیم به‌فانیت است. چند روز پس از آنکه آرایش کرد، با سببه‌گری سبوش ساخت و جنبش را به موج‌های خزر سپرد. این سربرآورده از دودمان آله‌ای هنگام شهادت ۲۸ ساله بود، او از آخرین قربانیان نظم خوین و عقیم مصلحت‌ناشاهی بود.

سواک‌های که باران و هم‌فکران حجت بر سر مقبره‌اش خواندند، گذری ونظری بر زندگی کسواک، اما برعکس او بود. عیارانی از این سواک‌ها را با کم و بیش که با پرس و جو در پیرامون سبوش سرکشت و آندینه او گردآورده‌ام، نقل می‌کنیم.

آله‌ای که در محکمه‌ای در افسران ساری، از میان روستائیان زحمتکش برخاست. همه لطمه‌های زندگی را با آن‌ها بود: در کار مرزها، در پیای خیش و گاوهر، در فصل درو، در عرق نزارن و جین کردن خاک، در تب و تلاشی بر سر کردن شاخه‌ها، کنده‌های میزم را بر دوش به خانه برین، کنار تنور خاککی نشستن و درس خواندن...

تجسبات ابتدائی‌اش را در محکمه زادگاهش گذراند، برای ورود به‌دوره شش‌ماهه راهی خنر ساری شد و سپس به دانشکده ادبیات رفت. استعداد او چون دانش‌آموزی زادگاهش، سرشار و حاصلخیز بود. بندها در ذهن او زود شکوفه و میوه می‌داد. اما در کنار درسی‌های دانشگاه، زندگی هم به او درس می‌داد و حجت به تکیه از این درس‌ها، به‌میدان مبارزه تکیه می‌کردند و در این میدان، سطر سطر توده ایران را انتخاب کرد. این حریف اوست که:

«با حزب توده تاریخ و سرگذشت شکرپی همنوش است، چیزی مرموز و پرجاذبه، چیزی به تبرک روزیغ و سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این‌حرب موج می‌زند، چیزی شیبه موج و نوافان...»

حجت دلبسته به‌هرگی بود، این‌همه صمد شهید را مدام بر لب داشت که:

چگونه می‌توانیم به‌مردم خلق بزرگ، اما به دشمنان کینه‌ناست باقیم؟

خلق به‌مردم و کینه به‌مخمس آن‌ها تمامی زندگی حجت را پر کرد.

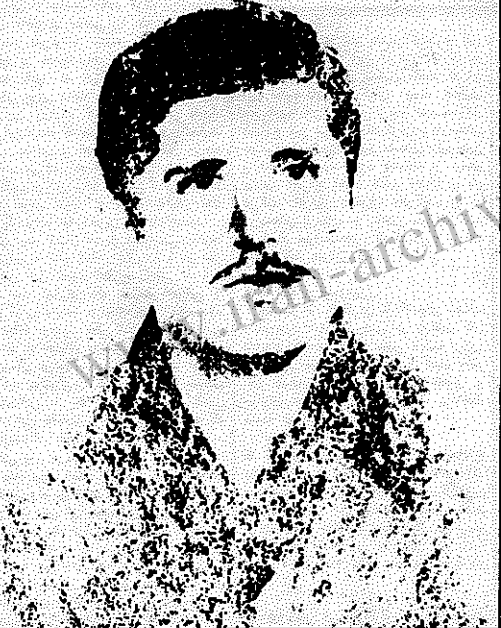
باید رفت، باید آسین‌ها را بالا زد و کار کرد.

روش او افشارگری سیاسی و افشاندن بلور تئوری‌های مائوئیستی - لنینیستی بود. هم‌چنان در سربزه و مزرعه، در شهر، در تاکسی، در صف نانوا، در خیابان، در مهمانی... عقیده داشت که جهان‌بینی طبقه کارگر تنها امید جهان است:

این امید را به‌میدان راجسیران ببریم، این افات را به‌آنها ببریم. بیون آن‌ها ما هیچ نیستیم، و افات هیچ نیستیم و افات.

دوبار به‌چنگ ساواک افتاد. وسراجم بار سوم... مرگ او با طلوع آفتاب تازه در میهن ما هم‌زمان بود، حجت خود در طلوع پاک و بر سخاوتمندی بود... پایش گرمی... از سمرق‌های بی‌موزیم...

تبریکان و یاران حجت برای کشف جزئیات قتل و دستگیری و مجازات‌ناتین ساواکی به‌سرمایع قانونی و کینه‌ناست انقلاب، مراجعه کردند. «مردم» امید و اسرار داره که مقامات انقلابی به این امر مهم توجه بیشتری منقول دارند.



## کج‌رأیی

ای جدا از بحر، ای ماهی! کجا؟  
روشنشکی‌ها شاناداری، شفا؟  
هردمت دریا بدل، می‌خواندت.  
لبک کج‌رأیی، چیدا می‌رأنت.  
آب و موج و جنبش جاویده این مرگ درخشکی ترا دارد گمین، خوش بود با تودها یکتا شد.  
هن رها کردن بدرا ما شد.  
آن که گفت ایمنی بر ساحل است، خوش نشینی راحت و یا در گل است.  
گردشی کن در دل گرداب‌ها تا برون آئی ز وهم خواب‌ها.  
هر که در غرق‌های هول جنت شیرع مردمی آرد به‌خشت.

فرهاد ره‌آور

است. وزارت امور خارجه و پستام در یادداشتی که برای چین ارسال داشت اعلام کرد که هنوز نه نقطه از خاک و پستام در انتقال نیروهای چینی است. در یادداشت همچنین آمده است که چینی‌ها هنوز نیروهای در مناطقی از استان‌های شمالی و پستام و لائوس متحرک کرده‌اند.

از طرف دیگر به گزارش یونایتد پرس، بیانج رسی در هنگ‌کنگ اعلام کرده که در پی هجوم چین به جمهوری دموکراتیک ویتنام، جمهوری دموکراتیک کرده مواضع مرزی خود را مستحکم کرده است. روزنامه چینی‌زبان مینگ پائوگ که در هنگ‌کنگ چاپ می‌شود نوشت که جمهوری دموکراتیک کرده اخیراً مواضع خود را در امتداد رود مرزی یالو تقویت کرده است تا از تهاجم و تجاوز احتمالی مائوئیست‌های چین مناسبت بعمل آورد.

این مواضع همچنین اعلام کردند که در یک منطقه ده میلی‌متری مستحکم‌های زرهی ایجاد شده است و نقل و انتقال‌های زیادی دیده می‌شود. به‌نوشته این‌روزنامه سربازان کرده شمالی شبکه کاملی از سنگرها، چاه‌ها و همچنین تونل‌های زیرزمینی برای کارگشتن مسلح‌ها و توب‌های سنگین احداث کرده‌اند.

## نگاهی به کانون‌های

عقوبای عرب برای ربع وادی منافعه و بالاص خراج اسرائیل ارتام سرزمین‌های عربی و رعایت و اجبار حقوق مشروع فلسطینی‌ها، از جمله حق استقلال و تأسیس دولت فلسطینی پشتیبانی کرده است و خواهد کرد.

## کانون تشنج دیگر

چین مائوئیست که پس از سفر تنگ شیانوئیگ به امریکا و ملاقات‌ها و موعوضات وی با مقامات کاخ سفید و یک نطفه دینداران یهودیست، تینبر، به جلوه چندگیزا لکن با موقی علیه جمهوری دموکراتیک و ضدان‌بناست و پستام‌مردت و زورده قانون مآفته و تشنج جدیدی در خاور دور ایجاد کرده که احتمال گسترش آن در لائوس و جمهوری خلق کرده نیز می‌دهد.

به گزارش آوسیتد پرس دولت جمهوری ویتنام چین را به ادامه اشغال سرزمین‌های خود مهم کرد و اعلام داشت که تنها شرط گفت و گو برای عادی‌کردن روابط دو کشور، خروج سربازان چینی از ویتنام

# زنده باد جبهه متحد خلق برای پاسداری و ادامه انقلاب